

موسیٰ و عیسیٰ
حضرت (ع)
حضرت (ع)

شکے
در غنوم معنوی

www.ketab.ir

اسد اللہ عبدالہمیان

انتشارات دہرا

| | |
|-------------------------|--|
| سرشناسه | عبدالله، اسدالله، ۱۳۰۳ - |
| عنوان قراردادی | مثنوی، برگزیده Masnavi. Section |
| عنوان و نام پدیدآور | حضرت عیسی و حضرت موسی در مثنوی معنوی / اسدالله عبداللهیان. |
| مشخصات نشر | رشت : دهسرا. |
| مشخصات ظاهری | ۲۳۲ ص. |
| شابک | ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۷-۶۳۱-۸ |
| وضعیت فهرست نویسی | فیا |
| یادداشت | چاپ قبلی: دهسرا، ۱۳۸۷ (۲۱۶ ص.ا). |
| موضوع | مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۴ ق. مثنوی -- پیامبران |
| موضوع | Masnavi -- Prophets -- 1207 - 1273. Jalaluddin Muhammad ibn Mohammad, 1207 - 1273. Masnavi |
| موضوع | شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد / پیامبران در ادبیات / Prophets in literature |
| شناسه افزوده | مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۴ ق. مثنوی، برگزیده |
| شناسه افزوده | Masnavi. Selections. Mowavi, Jalaluddin Mohammad ibn Mohammad, 1207 - 1273. |
| رده بندی کنگره | PIR ۵۳۰۱ |
| رده بندی دیویی | ۸۱۵/۳۱ |
| شماره کتابشناسی ملی | ۸۹۳۰۸۵۷ |
| اطلاعات رگورد کتابشناسی | فیا |

- نام کتاب: حضرت عیسی و حضرت موسی در مثنوی معنوی
 - مؤلف: اسدالله عبداللهیان
 - ناشر: انتشارات دهسرا (ناشر سابق: پدیده) ۷۹، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۹۸
 - دفتر مرکزی و نمایشگاه: رشت، خ. کمالی، ابتدای خ هفده شهریور
تلفن: ۰۹۷۱-۳۳۲۳۰۹۷۱-۳۳۲۶۰۰۵۵-۳۳۲۴۰۰۵۵-۰۱۳-۳۳۲۴۱۹۷۱
 - حروفچینی و صفحه آرای: انتشارات دهسرا
 - طرح جلد: انتشارات دهسرا www.DEHSARA.com
 - نوبت چاپ، تاریخ انتشار: چاپ سوم، سال ۱۴۰۳ شمارگان: ۱۰۰
 - تعداد صفحات، قطع: ۲۳۲ صفحه، وزیری
 - لیتوگرافی، چاپ و صحافی: لیتوگرافی همراهان، چاپ توکل
 - شماره استاندارد بین المللی کتاب: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۷-۶۳۱-۸
 - قیمت در سراسر کشور: ۹۲,۳۰۰ تومان
- www.DEHSARA.com

کلیه‌ی حقوق قانونی و شرعی برای مؤلف و ناشر محفوظ می‌باشد و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی، حق تکثیر تمام یا قسمتی از این اثر را نداشته و متغلفان تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

«به نام خدا»

«دیباچه»

در عنوان تألیف کتاب عرفان در مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بلخی اعلام شده بود در صورت تمایل شهروندان خیر و نیکوکار نسبت به نشر و چاپ کتاب بعدی «حق تعالی» و «روح و روان» و «حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع)» با هزینه شخصی خود اقدام به چاپ نماید. توفیقی حاصل شد که آقای زلفی غفّاری نمینی اصل اقدام به چاپ و انتشار «حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع)» شدند.

آقای زلفی غفّاری نمینی اصل فرزند شادروان میرکیشی معروف به کربلایی کیشی، دارای مدرک تحصیلی لیسانس زبان و ادبیات فارسی امورات حسنه را در این منطقه برحسب وظیفه انسانی انجام داده که ذیلاً فهرست وار بیان می‌گردد.

۱- شادروان کربلایی کیشی بنیان‌گذار سفال سنتی از سال ۱۳۱۵ در این منطقه مرزی آستارا که به شهر بامهای سفالین معروف شده سالیان دراز انجام میداده پس از درگذشت نامبرده آقای غفّاری سالهای متمادی این حرفه و فن را حین اشتغال در آموزش و پرورش با تعدادی از کارگران اقدام نموده‌اند.

۲- آقای زلفی غفّاری نمینی اصل متولد سال ۱۳۱۰ میلادی سی سال خدمات شایسته و عشق به معلمی و احساس مسئولیت مخصوص نسبت به دانش آموزان را در آموزش و پرورش فومن، تالش و شهرستان مرزی بندر آستارا با صداقت و بنحو احسن ایفای وظیفه نموده به همواره مورد تقدیر و تشویق فراوان گردیده است.

۳- در سال ۱۳۶۰ در جاده بین آستارا و ویرمونی کارگاه موزائیک‌سازی و فرآوری‌های سیمانی را در محوطه وسیعی قریب به ۴۰ نفر کارگر در آن کارگاه تا امروز اشتغال دارند که از آن تعداد ۱۸ نفر زیر پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفته و بقیه بصورت روزمزد به شغل کارگری مشغول بکار میباشند.

۴- نوسازی بناء مسجد جامع ویرمونی که بنام و یاد و توجه حضرت احدیت و با همت و جذب کمکهای مالی فراوان از مأخذ ذریبط توسط آقای الحاج مرحبا نماینده محترم در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ آغاز و نازک‌کاری آن در سال ۱۳۸۶ با تمام رسیده آقای غفّاری بیش از پنج میلیون تومان نسبت به تأمین مصالح آن هزینه نموده و در نظر دارد نسبت به نمای بیرونی آن نیز کمکهای مالی و مادی بنماید.

۵- آقای غفّاری نمینی اصل در مورد بنای مسجد دیگر روستای ویرمونی و سایر مساجد شهر و حومه کمکهای مالی کرده و مصالح ساختمانی را با قیمت نازله محاسبه نموده است. از پیشگاه ایزد منان توفیق و کامیابی روزافزون او را مسئلت می‌نمائیم. وجود این چنین انسانهای خیر و نیکوکار مایه افتخار و سرافرازی قاطبه مردم این شهرستان و رضای خاطر خداوند متعال می‌باشد.

دروود و ثنای بیحد بر سید رُسل و هادی سُبُل سرور کاینات و خلاصهٔ موجودات، پیشوای انبیاء و مقتدای اصفیاء حضرت «محمد مصطفی (ص)» افضل الصلوات و اکمل التحیات که برگزیدهٔ آدمیان و رحمت عالمیان است بر اصحاب و احباب او باد.

اما بعد حقیر الحاضر قریب به چهار سال ۱۱۴ عنوان از شرح جامع مثنوی معنوی تألیف آقای کریم زمانی استخراج نموده‌ام که سرلوحهٔ آنها «عرفان، حقتعالی و روح و روان» میباشد و عناوین دیگر انشاءالله به ترتیب چاپ و تقدیم جامعهٔ فرهنگدوست شهرستان بندر آستارا خواهد گردید. اینک مقدمتاً چاپ اول بنام «عرفان» اثر اندیشه و ترشحات مغزی مردی دانا و فرزانه مولانا جلال الدین که از علوم مختلف به نظم و نثر سخن گفته، مطالعه‌اش آرام‌بخش و دلنشین است روانش شاد باد. کتاب حاضر با سرمایهٔ شخصی خود و با الطاف و عنایات جناب آقای اکبر دهرسا ناشر مؤسسهٔ فرهنگ انتشارات دهرسا به طبع رسیده است. از افراد فرهیخته و خیر و فرهنگ پرور و علاقه‌مند به خیرات و احسانات. بمصدق فرمایش نبی اکرم (ص): «إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ قَالَ النَّاسُ مَا حَلَّتْ بِمَلَائِكَةٍ مَا قَدَّمَ» وقتی بنده‌ای بمیرد مردم می‌گویند از خود چه گذاشت و فرستاده‌ها گویند چه چیزی پیش فرستاده است. هم افق با فرمایش منجی عالم بشریت، آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ». شما که ایمان دارید از خدا بترسید و هرکس بنگرد برای فردا چه پیش می‌فرستد و از خدا بترسید که خدا از اعمال‌کیه می‌کنید آگاه است. استدعا می‌نمایم نسبت به انتشار و چاپ کتب بعدی با سرمایهٔ خود که اقدام خداپسندانه و اجر معنوی و پاداش اخروی دربردارد مضایقه و دریغ نفرمایند. در خاتمه لازم میدانم از لطف و مرحمت بی‌شائبه جناب آقای اکبر دهرسا ناشر مؤسسهٔ فرهنگ انتشاراتی و کارکنان محترم آن مؤسسه جهت صفحه‌آرایی دلپسند و شایسته تشکر و سپاسگزاری نمایم. توفیق و کامیابی روزافزون همگان را از پیشگاه ایزد متان مسئلت می‌نمایم.

اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۷

اسدالله عبداللهیان

«به نام خدا»

سپاس و ستایش مبدعی راست، که سخن پاک و سخندان و سخنگوی را ابداع کرد. حمد و سپاس خداوندی را سزااست که همه علماء و گویندگان از مدح و ثنای او عاجزند. و از اینروست که رسول اکرم (ص) فرمود: مرا توانائی مدح و ثنای تو نیست، تو خود باید ثناگوی ذات اقدس خود باشی. شمارندگان و حسابگران از شمارش نعمتها و بخشش های او در مانده اند، زیرا نعمتها و عطاهاى حقتعالى غير متناهی و آخری برای آنها متصور نیست، چنانکه در قرآن کریم در قسمتی از آیه ۳۷ سورة ابراهیم میفرماید. «.....وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا» یعنی اگر بخواهید نعمتهای خدا را بشمارید توانایی آنرا ندارید، پس کسی که نتواند نعمتهای پروردگار را بشمارد چگونه میتواند حق او را ادا کند و شکرش را بجا آورد. خداوندی که حقیقت او را صاحبان همت بلند درک نمیکنند چگونه میتوانند حقیقت ذات او را دریابند. خداوندی که صفتش را نهایی نیست و او را وقت و زمانی نیست که معین شده باشد، زیرا او خالق زمان، و بی نیاز از اینکه در زمان باشد از زمان با و احاطه نماید. پس او ازلی و ابدی است. خلاق را بقدرت و توانائی خود بیافریند، شناختن او است، و شناخت کامل، تصدیق و گرویدن باوست، و تصدیق تمام، توحید و یگانه دانستن او است و کمال توحید خالص نمودن عمل است برای او. خداوند متعال همیشه بوده است نه آنکه حادث و نوپیدا شده باشد. بصیر است و بینا بوده هنگامیکه هیچ چیز از آنچه را که بریده نبوده، منفرد است و تنها بوده هنگامیکه سکتی نبوده تا بان مانوس شود. مخلوقات را بیافرید بدون بکار بردن فکر و اندیشه، اشیاء را از عدم و نیستی در وقت خود به وجود و هستی انتقال داد، و میان گوناگون بودن آنها را موافقت و سازگاری داد، و طبایع آن اشیاء را ثابت و برقرار فرمود. باریتعالی به قدرت و توانائی خود، جوهای لاتیناهی را شکافت، و اطراف و گوشه های آنرا باز نموده بالای فضا، هوا و جای خالی را بیافرید، آنگاه آسمانها را بزینت ستاره ها و روشنی نور افکنها آرایش داد و در آنها چراغ نورافشان خورشید و ماه درخشانرا به جریان انداخت. آنگاه میان آسمانهای بلند راباز نمود، و بانواع مختلفه ای از فرشتگان خود پر کرد، قسم اول از آنان فرشتگانی هستند که بعضی از ایشان در حال سجودند، رکوع نمیکنند و برخی در رکوعند بر پا نمی ایستند، و گروهی در صف ایستاده اند، از جای خود بیرون نمی روند، و بعضی تسبیح گوینده اند که خسته نمیشوند «همه اصناف فرشتگان غیر مادی هستند» که آنانرا نه خواب در چشمها و نه سهو در عقلا میآید، و نه سستی و نه غفلت فراموشی فرا میگیرد. قسم دوم از فرشتگان، امین بروحی خداوند متعال هستند و برای پیغمبران او زبانها و ترجمانند.

و برای رساندن حکم و فرمانش آمد و رفت کنندگان میباشند، و جماعتی از اینان نگهبان بندگان و دربان برای بهشت‌های او هستند. معرفت و خدانشناسی آن فرشتگان بطوری است که پروردگارشانرا در وهم و خیال بصورتی در نیاورند، و نه اوصاف خلائق را بر او جاری سازند، و نه او را به مکانهایی محدود کنند، و بنظائر و امثال بجانیش اشاره نمیکنند. پس از آنکه خداوند متعال آسمان و زمین و خورشید و ماه و کائنات را آفرید، حضرت آدم ابوالبشر را باید قدرت خود از گل خشکیده خلق کرد و از فرشتگان طلبید که حاضر شوند برای سجده بآدم و فروتنی در مقابل عظمت و بزرگی او، پس فرمود سجده کنید به آدم همه سجده کردند مگر شیطان که غرور و نخوت او را فراگرفت و شقاوت و بدبختی بروی غلبه کرد و تکبر کرد. مولانا دربارهٔ تکبر شیطان چنین سروده است:

تکبر عزازیل را خوار کرد به زندان لعنت گرفتار کرد

و گفت من از آتش آفریده شده‌ام و خود را بزرگ دانست و آدم را که از پارهٔ گل خشکی بوجود آمده خوار و کوچک شمرد. پس از آنکه شیطان فرمان الهی را مخالفت کرد و آدم را قبلهٔ خویش قرار نداد و مانند فرشتگان او را تعظیم نمود، خداوند متعال آدم را در مکانی که وسایل عیش و آزادیش فراهم بود جای داد و جایگاه او را از همهٔ حوادث ایمن گردانید. شیطان از راه حسد و بخل و بر اثر وسوسهٔ آدم را از درختی که منع شده بود خورد و حضرت حوا از آن میل کردند که جریان آن دو ایستاده بود، طه، به تفصیل بیان شده است. آدم (ع) چون دید از شیطان فریب خورده است، اظهار پشیمانی کرد، پس حقتعالی راه توبه را باو یاد داد و کلمهٔ رحمت را بوی تعلیم نمود و وعده داد که دوباره به بهشت «به آنجائیکه اول بار بود بازگردد، پس او را بدنیای پرمحنت و بلاء و محل تناسل احوال فرستاد.

صفات و نعمتهای خداوند متعال بی‌پایان و نامحدود است چنانکه در کتاب منزلش میفرماید اگر هفت دریا مرکب و جنگلها مداد باشند باز نمی‌توان نعمتهای پروردگار را احصاء نمود. در پایان برخی از نامها یا صفات «الله» به فارسی ایزد، پروردگار، خدا، خداوند جهان آفرین، دادگر، دادار، داور، صورت آفرین، یزدان، و بعضی از نامها و صفات مرکب خداوند: احکم الحاکمین، ارحم الراحمین، اکرم الاکرمین، باری الخلائق، بدیع السموات و الارض، حقتعالی، حق سبحانه، خیرالماکرین، ذوالجلال والاکرام، رؤف بالعباد، رب العالمین، رب العزه، رب الکعبه، رب الملائکه و الروح، رفیع الدرجات، ستار الذنوب، ستار العیوب، شدیدالعقاب، علام الغیوب، علی الاعلی، غافر الذنب، غیاث المستغیثین، خالق الاصباح، قاسم الارزاق، قاضی الحاجات، قسام الجنه و النار، کافی المتهات، لایزال، لم یلد، لم یولد، مالک الملک، مجیب الدعوات. مسبب الاسباب، مسخر الزیاح، مفتح الابواب، مقرب القلوب، ملک العرش، ملک الحق، مَنْ دَلَّ عَلٰی ذَاتِهِ بِذَاتِهِ.